



محمد بحرینی

روزنامهنگار

«تازه‌ترین برنامه از مجله تصویری علوم انسانی «زاویه» با موضوع

اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها؛ توقیفات و ناکامی‌ها، با حضور حجت‌الاسلام‌والمسلمین روح‌الله شاطری، دبیر شورای اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها و دکتر سینا کلهر، مدیرکل دفتر مطالعات فرهنگی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و سیدحسین شهرستانی، مدیر گروه هنر پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی، هم‌راه با پرسشگری حبیب‌الله رحیم‌پورازغدی روی آنتن شبکه چهار سیما رفت. در ادامه گزارش تفصیلی این برنامه را از نظر می‌گذرانید.

۱۱۱

امروز ۲۱ آذر ۱۳۹۷ است و چند روز دیگر به سالگرد شهادت شهید آیت‌الله محمد مفتح می‌رسیم. روزی که به‌عنوان روز «وحدت حوزه و دانشگاه» نامگذاری شده است. به این بهانه، موضوع برنامه امشب را «اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها؛ کامیابی‌ها و ناکامی‌ها» در ۴۰ سال تجربه حکمرانی جمهوری اسلامی ایران قرار داده‌ایم و گفت‌وگوی این نوبت را روی این س‌سوال محوری متمرکز می‌کنیم که آیا هنوز طرح دانشگاه‌اسلامی طرح زنده‌ای است؟ به تعبیر دیگر آیا طرح اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها برای نجات دانشگاه در ایران طرح اثربخشی است؟ و اینکه چرا شورای اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها بر فضای دانشگاه‌های کشور اثرگذار نیست؟

شاطری: خیلی متشکرم از فرصتی که در اختیار دبیرخانه شورا قرار دادید. به‌نظم این سوال چالشی بسیار جالبی است.

به لطف خداد در سال ۱۳۸۹ آنچه به شکل یک سند بدوی در سال ۱۳۷۶ به ابلاغ دانشگاه رسیده بود و مدتی به دلایل فقدان مبانی نظری روشن و فقدان ساختارهای اجرایی لازم و عدم آموزش متولیان و مسئولان در ستاد و صف معطل بود، در بازنگری سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ به ابلاغ سند جدید منتهی شد. این سند هم در به‌روزرسانی و هم در ترمیم این آسیب‌ها به‌گونه‌ای طراحی شد که آن دغدغه‌ها و آرمان‌ها بتواند زمینه‌های تحقق برای رسیدن به اهداف تعریف‌شده را در عمل شاهد باشد. مادر طراحی جدید سعی کردیم که سند را منطبق بر نظامات چهارگانه دانشگاهی، یعنی نظام «آموزشی-پژوهشی»، «فرهنگی»، «ترتیبی» و «مدیریتی» دانشگاه منطبق کنیم تا از موازی‌کاری و معطل ماندن ایده مطلوب در فضای علم و فرهنگ دانشگاه احترامز کرده باشیم. سعی کردیم ساختارهای مکمل را تعریف کنیم. هر تحلیلی که هر حرکت تحول‌آفرینی برای انسجام و ساماندهی نیازمند به یک سند است. برداختن به اولویت‌های موازی که می‌تواند به دلیل تراکم کاری مسئولان دستگاه‌های آموزش عالی، ذهن و همت آنها را معطوف به خود کند، قطعاً می‌تواند تحقق اهداف و سیاست‌های مصوب در سند را به تأخیر بیندازد.

آیا طرح دانشگاه اسلامی یا اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها می‌تواند ایده نجات‌دهنده دانشگاه در ایران باشد؟

کلهر: اگر بخواهیم یک تعبیر خیلی روشنی از وضعیت ایده اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها داشته باشیم، این مفهوم یک موقعیتی‌راپیدا کرده که دفاع کردن از آن خیلی سخت شده است. اگر این فقط مختص وضعیت اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها و ایده اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها بود شاید خیلی تعجب‌برانگیز نبود و دچار مشکل نمی‌شدیم ولی بقیه ایده‌ها هم «مهندسی فرهنگی» و «پیوست فرهنگی»، «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» و «نقشه جامع علمی» و اخیراً «سند الگوی پایه ایرانی- اسلامی پیشرفت» هم انگار چنین وضعیتی دارند. سوال بنیادی تری وجود دارد که چرا این ایده‌های اساسی و بنیادی که در حوزه علم و فرهنگ طرح شدند همگی انگار سرنوشت یکسانی دارند؟ بخش عمده‌ای از افرادی که در جریان تدوین یا اجرایی‌شدن این سندها، مشارکت و حضور داشتند و اسامی‌شان هست، وقتی از آنها خواست می‌شود از دستور دفاع کنند، هیچ‌کس حاضر به دفاع نیست؛ نه از اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها، نه از مهندسی فرهنگی و نه سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. فقط کسانی می‌مانند که تهیه‌کنندگان این سند بودند، مسئولیت‌های رسمی داشتند و به حالت بی‌پناه ماندنی باید مجبور شوند در جاهای مختلف دفاع کنند، درحالی‌که دیدگانی که حضور داشتند از این مهم‌شان خالی کردند. چرا این وضعیت پیش می‌آید؟ من مهم‌ترین دلیل آن را درواقع در نقص تکنولوژی می‌دانم؛ چون از این عبارت خود دوستان استفاده کردند و گفتند ما به تکنولوژی سندنویسی رسیدیم. اتفاقاً سال‌سه نقصی است که در این تکنولوژی وجود دارد و خروجی‌های این تکنولوژی دیگر قابل دفاع نیست. به همین خاطر افراد مشارکت می‌کنند [اما] در موقع دفاع کردن، نقد، از زیبایی و… حاضر نمی‌شوند دفاع کنند. جدیدترین نمونه‌ان همین سند الگوی ایرانی- اسلامی پیشرفت است که در بحث‌ها و پرسش‌هایی که در مورد آن صورت می‌گیرد عموماً می‌بینیم که فقط مسئولان تهیه‌کننده که به لحاظ اجرایی در تدوین آن مسئولیت داشتند، دارند از سند دفاع می‌کنند. اشکال اساسی این تکنولوژی این است که دو مسیر را رفته و هر دو مسیر به نظر من غلط بود؛ یکی اینکه خواسته اصطلاحاً سیاست‌گذاری ستادی یا سیاستگذاری از طریق سند را محور تعریف قرار بدهد؛ یعنی اولین اقدام‌ها [و وقتی] خواستند دانشگاه را تغییر دهند [انجام داده‌اند] این بوده که سند بنویسند. مجموعه‌ای بیرون از دانشگاه، یک گروهی در یک ستادی جمع شوند، اول سند را بنویسند، آماده کنند و بعد بخواهند اصطلاحاً از آن طریق به‌عبارتی تغییر در دانشگاه ایجاد کنند.

به این معنا که تغییر در دانشگاه‌ها از بیرون دانشگاه ایجاد کنند. **کلهر:** دقیقاً، از بیرون دانشگاه‌ها با کمترین میزان ارتباط با دانشگاه. البته مشارکت و دعوت به همکاری صورت گرفته ولی چون این فاصله وجود داشته، مدیریت و فرماندهی تغییر و محل مرکزیت آن تغییر، بیرون دانشگاه قرار گرفته و این فاصله خودش عامل اساسی است. من اصطلاحاً این را تغییرات ستادی می‌گویم؛ یعنی مجموعه‌ای که کامل بیرون است. اخیرتأخولی در این مجموعه صورت‌گرفته که به‌نظم آن هم اشکال دارد و اگر فرصت شد توضیح می‌دهم و اصطلاحاتی توان [به آن] تبحر گرایی ساختاری گفت. به این معنا که تصور می‌کنند از طریق تغییراتی که در ساختارهای نظام دانشگاهی ایجاد می‌کنند یا اصطلاحاً کنترل‌هایی که در ساختارها انجام می‌دهند، این دانشگاه براساس مبانی و آرمان‌هایی که وجود دارد تغییر می‌کند. هر دوی این ایده‌ها در تمام اسنادی که در ۲۰ سال اخیر نوشته شده است،

چون اساساً بنیاد این تکنولوژی براساس این دو ایده محوری بوده، در تمام این اسناد تکرار شده است و از جمله در دو سند اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها که اگر فرصت شد نمونه‌های آن را اشاره می‌کنم. حال‌اسند جدید یک مقدار قابل دفاع‌تر است و سند قبلی حتی به‌نحوصحکی گاهی اوقات یک قسمت‌هایی از آن درآمده است که اساساً خود‌سند هم قابل دفاع نیست.

این سوال را از شما هم می‌پرسم تا دستگیره‌هایی برای گفت‌وگو بین‌تان شکل بگیرد. آیا از اساس طرح اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها می‌تواند دانشگاه ایرانی را نجات دهد؟

شهرستانی: ما هفت سال پیش در خدمت حاج‌آقا در برنامه «دیروز، امروز، فردا» با همین موضوع گفت‌وگو کردیم. البته ما می‌خواهیم یک وضعیت را نقد کنیم و مساله اشخاص و نهادهای جزئی در این سیستم کلان نیستند، اما با عرض تأسف باید بگویم نسبت به این هفت سال چیزی برای گفتن و دفاع کردن افزوده نشده است الا اینکه به قُطر اسنادی که در این فاصله زمانی نوشته شده، اضافه شده است و مبالغ و هزینه‌هایی که در نهادهای مختلف صرف این شعار شده، بیشتر شده است و نهادهای ریز و درشت خلق‌الساعه و رشته‌ها یا امکان‌های اعطای مدرک به‌صورت قاوچ کردند در این سال‌ها مدام افزایش پیدا کرده است و ما با یک تورم بی‌هویت و بی‌معنارویه‌رو هستیم. مسئولش هم همه‌ما عم از منتقدان؛ اپوزسیون، پوزسیون، رسانه، دانشگاه و حوزه هستیم. ایده اسلامی‌شدن دانشگاه یک ایدهٔ شکست‌خورده است. اول باید این شکست را ببپذیریم. اگر نپذیریم این راه مدام ادامه پیدا می‌کند. ایده تحول از طریق سندنویسی، یک ایده به‌شدت شکست‌خورده است که نمونه‌های آن سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت بود. این تکنولوژی سندنویسی که تکنولوژی بسیار توسعه‌نیافته و عقب‌مانده‌ای است، همان‌طور که آقای کلهر اشاره کردند، در خودش دچار تناقض است. یعنی از جهات مختلف، نهادهای مختلف دارند اسناد مختلف می‌نویسند و این اسناد با هم ارتباطی ندارند. بیرون از حوزه عمومی تولید علم و گفتار علمی قرار گرفتند و به یک نحو دستوری و بروکراتیک می‌خواهند وضعیت علمی و دانشگاه ایرانی را تغییر دهند. من حتی معتمد چنین اراده‌ای وجود ندارد. بروکراسی از یک جایی به بعد دچار اتونومی می‌شود.

یعنی می‌خواهد خودش را حفظ کند. الان نهادهایی که از شورای انقلاب فرهنگی و بسیاری از نهادهای دیگر به وجود آمده‌اند، اینها دچار توهم ساختاری شدند و کارکرد اولیه و ذاتی‌شان این است که خودشان را حفظ کنند و در رقابت‌ها در روزی که بین این نهادها وجود دارد از حیثیت درونی خودشان حراست کنند. اصلاً طرحی از علم، تحول و آینده برای دانشگاه در ایران در میان نیست. همان‌طور که در متن دانشگاه میان متن دانشجویان و متن جامعه علمی و متن حوزه عمومی دانشگاه، این مساله است که دانشگاه تبدیل به یک نهاد هیولایی و بی‌سرنته و بی‌صورت شده که درواقع اول و آخرش این است که یک نهاد بروکراتیک است. یک بروکراسی بزرگ و ناکارآمد است. یک بروکراسی بی‌ارتباط با جامعه و اهداف و مقاصد است. مساله اسلامی‌شدن دانشگاه نیست، مساله دانشگاه‌شدن دانشگاه است. ما امروز با دانشگاه در ایران رویه‌رو نیستیم، به‌ویژه در حوزه علوم انسانی که بار شعارگویی اسلامی‌شدن بیش از هر جای دیگر خود را در حوزه علوم اسلامی متکشف کرده است. مطالبه دانشگاه اسلامی را باید بعد از مطالبه دانشگاه بگذرانیم. دانشگاه جایی است که اولین کارکرد و غایتش علم است؛ یعنی کسی که وارد می‌شود متوجه این می‌شود که تمام‌صورت‌های آکادمیک و همت افراد متوجه علم است. [ما در] دانشگاهی که ما ساختیم، وقتی کسی وارد آن می‌شود، از آن موسسات کنکوری که افراد را برای تشرّف به این قلمرو آماده می‌کنند می‌شود فهمید که [این دانشجوی] اصلاً برای این نیامده است که درکش از عالم بیشتر شود یا خدمتی از طریق علم به جامعه بکند، یا بتواند توقیفی در عرصه علمی پیدا کند؛ ما داریم در دانشگاه یک امتیاز اجتماعی به مردم می‌دهیم. از پول نفت هزینه می‌کنیم که یک موقعیت اجتماعی به اسم مدرک دانشگاهی را به‌صورت سوسپالیستی بین مردم توزیع کنیم و خیلی توزیع گسترده‌ای هم دارد.

آن‌هم درنیهایت بی‌فایده و درون تهی می‌شود و همان کارکرد هم از دست می‌دود. وقتی مدرک دانشگاهی اینقدر گسترده [و دست‌ودل‌پازانه] داده می‌شود، چیزی که قرار بوده تمیز دهد، دیگر ممیز نیست. **شاطری:** خیلی خوشحالم که بحث در مدار و مبنای دقیق و درستش قرار گرفت. ما همه این سال‌ها از روی می‌کنیم ای کاش این نگرش در دانشگاه باشد و ما با این نگرش چالش کنیم و حرف بزнім. مردم هم دوست دارند این نوع نگاه واقع‌بینانه و بی‌تعارف در مباحث شکل بگیرد. از آخرین فرمایشات جناب آقای شهرستانی آغاز می‌کنم که آرزو می‌کنیم این نگاه تقویت‌شود. ایشان می‌فرمایند مساله اسلامی‌شدن دانشگاه نیست، مساله دانشگاه‌شدن دانشگاه است. دقیقاً مطلوب همین است. دانشگاه یک نهاد علمی است. باید در نظامی و جامعه‌ای این موسسه علمی با شناخت درست پدیده‌های طبیعی و اجتماعی و شناخت قوانین حاکم بر آن پدیده‌ها و عرصه‌های رفتار جمعی و اجتماعی بتواند کنترل‌بهبینه و راهبردی‌بهبینه مسائلی یک

اندیشه

گفت‌وگو در باب دانشگاه اسلامی در مجله تصویری علوم انسانی زاویه



مردم در حوزه فردی و اجتماعی را به عهده بگیرد. این چیزی است که می‌تواند خدمت به مردم باشد؛ یعنی حضور کاربردی، کارگشا و مساله‌محور علم در جامعه. مقام معظم‌رهبری تعبیری داشتند که دانشگاه اگر بخواهد اسلامی شود باید علمی شود؛ یعنی ما در هدف‌گیری دانشگاه اسلامی اساساً عملی‌شدن دانشگاه‌ها و ماموریت‌گرا شدن و مساله‌محورشدن و حلال مسائلی جامعه بودن دانشگاه هست که برای ما هدف است. در رویکرد اسلامی به دنبال ریش، محاسن و آستین بلند و کوتاه نیستیم. ما در اسلامی‌شدن دانشگاه به دنبال این هستیم که دانشگاه بر مدار و مبنای نظر صاحب‌نظران و ذی‌نفعانی که در یک حوزه معرفتی به تخصص رسیدند، مسائل را حل کنیم؛ یعنی جامعه و نظام- هر نظامی نه نظام اسلامی- برای حفظ، بقا و توفیق خودش باید به عقلانی دانشگاه رویآورد و از این قوه عاقله برای حل مسائل کلان خود استفاده کند. یک سامانه منظمی که از یک طرف مساله بیاید و از یک طرف صاحب‌نظر و دانشکده و تخصص مربوطه با این لینک شوند و با هم براساس یک ساختار حمایتی و سیاستگذاری درست به سمت حل مساله بروند. این ساختار تا الان در کشور وجود نداشته است و ما همه تلاش‌مان این است این ساختار را در دانشگاه ایجاد کنیم.

البته منظور از «طرح»، یک سامانه یا نگاشت‌نهادی [و ابزارها و سازوکارهای مدیریتی] نیست، یعنی ایده‌ای بنیادی درباره دانشگاه ندارد.

بله نیست، نگاه ما هم این نیست. اصلاً این سند را به‌عنوان فاز صفر کار می‌دانیم و اول از جزه اقدامات اصلی درنظر نمی‌گیریم. این فقط می‌تواند یک وحدت نظر ایجاد کند. آنچه که آرزوها را محقق می‌کند،

انجام عمل و برنامه‌ریزی درست و دقیق و جامع است که متأسفانه ما این را نداریم. این نکته که ما از بیرون داریم علم را مدیریت می‌کنیم [بحث صحیحی است و] ما هم با این [شیوه] مخالف هستیم و معتقدیم باید مسائلی کشور برمدار و مبنای دانشگاه که مجمع قوه عاقله و نظام است، حل شود. بر همین اساس، چیزی که تحت عنوان سند سامانه‌های بنیادی، ساختار تحولی برای رسیدن به نقطه‌های مطلوب و کارآمدکنن دانشگاه نوشته‌شده، با مشارکت ۱۳ دانشگاه و حدود ۱۱ هزار نفر ساعت نوشته شده است. پیش از جلسه به آقای دکتر کلهر عرض کردم در مسیر شکل‌گیری این سند، هیچ ذهن بیرون از دانشگاه‌و ذهن انتزاعی که واقع‌بین نباشد و واقع‌بینانه نگاه نکرده باشد و بیگانه از دانشگاه باشد، اصلاً مشارکت داده نشده است. نکته‌ای را فرمودند که تغییرات ستادی مفید نیست، تغییرات ساختاری هم مفید نیست. ما آنها را غلط می‌دانیم.

جدای از دست‌بردن در ساختار و سندنویسی برای تغییر در دانشگاه چه ایده بدیلی می‌توانیم داشته باشیم؟ **کلهر:** بنده مخالف سندنویسی نیستم و قائلم با اتفاقی که افتاده شاید راه موثری در سند باشد ولی اینکه چه سندی بنویسید مهم است. ۲۰۳۰ یک سند است و داد همه را درآورده است. چیزی بیرون از سند نیست ولی خوب است ما ۲۰۳۰ آموزش را بسند تحول بنیادین آموزش و پرورش کنار هم بگذاریم و بدانیم ما راجع به چه چیزی حرف می‌زنیم؛ یعنی این‌طور نیست که روی هوا حرف بزنیم و بگویم مخالف سند هستیم. اینکه اشاره کردم آن تکنولوژی که چنین اسنادی را بیرون می‌آورد دچار بحران است، برای چیست؟ [برای این است که] اساساً بخش عمده‌ای از این سندها تصمیر را به تعلق درمی‌آورد. همین سندی که در ۲۲ صفحه نوشته‌شده شده است- واقعاً نوشتن ۲۲ صخه سند معلوم است چندتر زمان برده و تصویب آن چندتر کار برده- عمده اینها متوقف است. حاج‌آقا خودشان اینجا تشریف دارند می‌توانند اشاره کنند. به این دلیل که اینجا تصمیمی گرفته‌شده، تصمیم‌ها ارجاع داده شده است، معلق شده به اینکه آیین‌نامه‌ای نوشته، ساختاری تاسیس و شورای ایجاد شود، که در آنجا قرار است تصمیمی گرفته‌شود. اینجا یک چرخه‌ای درست می‌شود که گاهی تحول آن‌جام نمی‌تواند گام.

وقتی شما تمرکز خود را روی ساختارها می‌برید، عملاً به‌جای اینکه مانع ساختار را حل کنید، انگار مانع جدیدتری روی مساله اضافه می‌شود. ما داریم درمورد محیط دانشگاه حرف می‌زنیم که منطبق علمی بر آن حاکم است. اگر قرار باشد اراده بتواند یک‌جایی حاکم باشد و بیشترین اعطاف ساختاری را داشته باشیم، اتفاقاً در همین نظام دانشگاهی است. تا جایی که به برنامه درسی اعلام‌شده خیلی از اساتید وفادار نمی‌شوند و خودشان براساس بینش و رویکردشان [برنامه خودشان را] پیش می‌برند. اتفاقاً بحث و اختلاف با اینجاست که وقتی شما می‌خواهید اصلاح ساختاری انجام دهید، عملاً آن کسی که کنشگری می‌کند، او را هم به حاشیه می‌برید.

شهرستانی: من اصلاح ساختاری مساله‌ای ندارم. اصلاح ساختاری منطقی است و باید انجام شود. مساله این است که حاج‌آقا به‌عنوان کسی که اتفاقاً در موقعیت اصلاح از مسیر ساختار قرار گرفتند می‌گویند موانع ساختاری موجب عدم اصلاح ساختاری می‌شود. این چه تناقض عجیب و غریبی است؟ شما می‌فرمایید ما می‌خواهیم اصلاح کنیم و موانع، موانع ساختاری است. اگر این سندنویسی‌ها مانع این را انجام داد؟

کلهر: وقتی شما تمرکز خود را روی ساختارها می‌برید، عملاً به‌جای اینکه مانع ساختار را حل کنید، انگار مانع جدیدتری روی مساله اضافه می‌شود. ما داریم درمورد محیط دانشگاه حرف می‌زنیم که منطبق علمی بر آن حاکم است. اگر قرار باشد اراده بتواند یک‌جایی حاکم باشد و بیشترین اعطاف ساختاری را داشته باشیم، اتفاقاً در همین نظام دانشگاهی است. تا جایی که به برنامه درسی اعلام‌شده خیلی از اساتید وفادار نمی‌شوند و خودشان براساس بینش و رویکردشان [برنامه خودشان را] پیش می‌برند. اتفاقاً بحث و اختلاف با اینجاست که وقتی شما می‌خواهید اصلاح ساختاری انجام دهید، عملاً آن کسی که کنشگری می‌کند، او را هم به حاشیه می‌برید.

شهرستانی: من اصلاح ساختاری مساله‌ای ندارم. اصلاح ساختاری منطقی است و باید انجام شود. مساله این است که حاج‌آقا به‌عنوان کسی که اتفاقاً در موقعیت اصلاح از مسیر ساختار قرار گرفتند می‌گویند موانع ساختاری موجب عدم اصلاح ساختاری می‌شود. این چه تناقض عجیب و غریبی است؟ شما می‌فرمایید ما می‌خواهیم اصلاح کنیم و موانع، موانع ساختاری است. اگر این سندنویسی‌ها



نتواند موانع قانون‌گذارانه را [حل کند]، قوانین که از آسمان نازل نشده است! یعنی اسناد نمی‌توانند دو آیین‌نامه را جابه‌جا کنند. اسنادی که در این حد کارآمد نیستند که آیین‌نامه‌هایی را که خود حاکمیت برای دانشگاه وضع کرده است تغییر دهند، دیگر نمی‌توانند وارد بافت درونی دانشگاه شوند. پس این سندنویسی برای چه اتفاق می‌افتد؟! اساساً مهم‌ترین آرمان انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی و امام خمینی (ره) برای دانشگاه، استقلال است؛ اینکه از دانشگاه استعمارزدایی کنیم و دانشگاه استعماری نداشته باشیم. عین جملات امام خمینی (ره) است که ایشان می‌گویند ما که می‌گوییم دانشگاه اسلامی می‌خواهیم منظورمان این نیست که می‌خواهیم علوم را اسلامی و غیراسلامی کنیم، یعنی می‌خواهیم دانشگاه ما استعماری نباشد. دانشگاه ما استعماری نباشد یعنی چه؟ الان آیا دانشگاه ما استعمارزدایی شده است یا خیر؟ به‌لحاظ سرمشق‌های دانش و اینکه ما تحت‌تأثیر هژمونی عقلانیت غربی هستیم بحثی نمی‌کنم چون وجود دارد و در آن حضور داریم و بسیاری از حوزیون ما از عاب، هراس و دستپاچگی‌شان در مقابل عقلانیت مدرن خیلی بیشتر از دانشگاهیان ماست. من به‌لحاظ ساختاری مساله استعمارزدگی دانشگاه را عرض می‌کنم. همین فرآیند ارتقا و ISI؛ ما کل سیستم دانشگاهی‌مان را در ساختار ارتقای خودش در اختیار نشریات بین‌المللی قرار دادیم که اگر چیز قابل استفاده‌ای هم اینجا وجود دارد به‌صورت رایگان در اختیار نظام استعماری دانش قرار بگیرد؛ برای چه؟ برای اینکه اسناد ارتقا بگیرد. مساله استقلال به این هم برمی‌گردد

که دانشگاهی که در خدمت تولید ملی و خودکفایی ملی نباشد، این دانشگاه استعماری است و دانشگاه ما دارد مصرف‌کننده بار می‌آورد. عین عبارت امام خمینی (ره) است که دانشگاه در دوره پهلوی، آدم‌ها و جوان‌ها را در دوره جوانی می‌گیرد و به‌جای اینکه کار کنند اینها را تن‌پرور و مصرف‌کننده بار می‌آورد و اینها بی‌خاصیت و مصرف‌کننده می‌شوند. به‌ضرس قاطع به شما می‌گویم دانشگاه در ۳۰ سال صرفاً هم خودش مصرف‌کننده است و هم مصرف‌کننده بار می‌آورد. دانشگاه می‌تولیدکننده بار نمی‌آورد و دانشگاهی که دانشگاه تولید نیست، دانشگاه مصرف است. مصرف [یعنی] از مصرف فیزیکی و عینی بگیرد تا مصرف علم، تاریخ، اسلام، ارزش‌ها و تبدیل آدم‌هایی که وارد این گروه می‌شوند به مصرف‌کننده و ابزارهای مصرف؛ ابزارهایی که همواره متوقع هستند و هیچ چیزی را به این تاریخ اضافه نمی‌کنند. **شاطری:** بحث‌هایی که می‌شود ابعاغ خیلی وسیعی دارد. اگر صرفاً بر عنوان سند «دانشگاه اسلامی؛ ناکامی و کامیابی» معطوف شویم شاید نتیجه‌بخش باشد. طبیعت بحث این است که به‌جاهای مختلف سرک می‌کشد. به‌دنبال این هستیم برای آن کنشگری که عناصر اصلی در حل و فهم مساله در دانشگاه‌ها هستند، و اکنون درگیر قوانین و این‌نامه‌های موجود شدند، با حیاتی که از ظرفیت‌های ملی برایسان در کشورها فراهم است، ابهری برای برورفت و کارآمدشدن ایجاد کنیم. ما باید بتوانیم با استفاده از ظرفیتی که اسناد ملی برای ایجاد وحدت نظر و رویه ایجاد کردند دقیقاً به صف و ستاد نزدیک شویم، مشکلات را از پیش پای صاحب‌نظران دانشگاهی برداریم و مساله‌ای را به عالم تحویل بدهیم. کار سند برداشتن موانع و کوتاه کردن دست واسطه‌هاست که [همان] آیین‌نامه‌های ناجبا و نادرست هستند.

کلهر: اشاره‌ای کنم به مهم‌ترین اقدامی که برای احیای ایده اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها صورت گرفت و متأسفانه آن هم درباره گرفتار سندنویسی، آیین‌نامه و… در نهضیات فکری می‌کنم خودآن هم یک سرنوشت ناخوشایندی پیدا کرده است. این اقدام کرسی‌های نظریه‌پردازی و آزاداندیشی در دانشگاه‌ها بود. شما به این دو مدل اداره دقت کنید؛ یک مدلی که براساس مفاهیم و ایده‌های بنیادی سعی می‌کند سیاست را احیا کند و پیش‌بردد و یک مدلی که همان ایده‌ها و مفاهیم را در بند اسناد و آیین‌نامه‌ها و چارچوب‌ها می‌برد و درنهضیات خودش تبدیل به یک بروکراسی می‌شود و اجازه نمی‌دهد آن ایده نفس بکشد. یک تعبیری درمورد بروکراسی دارند [تحت‌عنوان] کاغذبازی؛ این یک معنایی دارد به خاطر اینکه درنهضیات ایده را از کار می‌اندازد و اجازه نمی‌دهد کار کند و به‌جای اینکه انرژی را آزاد کند [انرژی را از بین می‌برد]. تجلی آشکارش سند است و این شکل سندنویسی است. **شهرستانی:** منکر دست‌آوردها نیستیم، منتها آن چیزی که از دستاوردهای دانشگاه بارنمایی می‌شود، بخشی از همان دستاوردها، موانع توسعه و اصالت دانشگاه است. فقط به‌عنوان یک راه‌حل مهم این را اشاره می‌کنم که مجموعه شما به این توجه کند و متأسفانه می‌دانم این توجه ناهمه‌ده است. از جندی شاپور تا نظامیه بغداد و نظامیه نیشابور و نظامیه‌های بزرگ در ایران تا حوزه‌های علمیه بعد از ورود علمای جبل عامل در دوره صفویه به ایران، دارالفلم در ایران دانشگاه تهران، ایده دانشگاه در ایران چه بوده است. از آن طرف در دانشگاه غربی چه تطوراتی از ایده دانشگاه شکل گرفته و امروز در چه وضعی قرار گرفته‌ایم. این بحران، بحران فراگیری است و فقط بحران ایران نیست. اسناد چیزی را که بررسی نکرده اینهاست و باید روح این اسناد قرار بگیرد. سندی مثل ۲۰۳۰ دارد در پیوستار تاریخ یک تمدن کار می‌کند و روی ساختارهای معنایی، ذهنی و عینی آن تمدن قرار دارد. اگر این پیوستار تاریخی دانشگاه و نهاد علم در ایران به‌صورت بنیادی مورد تأمل قرار بگیرد- که این هم خیلی با پروپاگاندا، تبلیغات و رشته راه انداختن رخ نمی‌دهد- ما یک چشم‌اندازی برای طرح آینده پیدا می‌کنیم.

شاطری: الحمدلله مکتوب این پیوست هست، یک وقت می‌توانیم بررسی کنیم.

آگهی مزایده نوبت دوم

دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان در نظر دارد محل تاسکی تلفنی این واحد دانشگاهی را به افراد واجد شرایط واگذار نماید. لذا تمامی متقاضیان می‌توانند از تاریخ درج آگهی با مراجعه به دانشگاه آزاد اسلامی همدان نسبت به دریافت اسناد مزایده اقدام نمایند.

پیشنهادهات بایستی حداکثر تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۱۳/۰۳/۹۷ به دبیرخانه کمیسیون معاملات دانشگاه آزاد اسلامی همدان تسلیم گردد. دانشگاه آزاد اسلامی همدان در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار است و هزینه آگهی روزنامه برعهده برنده مزایده می‌باشد.

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

آگهی مزایده نوبت دوم

دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان در نظر دارد محل انتشارات این واحد دانشگاهی را به افراد واجد شرایط واگذار نماید.

لذا تمامی متقاضیان می‌توانند از تاریخ درج آگهی با مراجعه به دانشگاه آزاد اسلامی همدان نسبت به دریافت اسناد مزایده اقدام نمایند.

پیشنهادهات بایستی حداکثر تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۱۳/۰۳/۹۷ به دبیرخانه کمیسیون معاملات دانشگاه آزاد اسلامی همدان تسلیم گردد.

دانشگاه آزاد اسلامی همدان در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار است و هزینه آگهی روزنامه برعهده برنده مزایده می‌باشد. روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان